اگنش هلر در ایران/ عکس: مهدی حسنی، شرق

یادداشتی بر کتاب «نظریه‌ای در باب مدرنیته»

جهان مدرن واقعیتی شفاف نیست

حمید یحیوی

«در تمام زندگی‌ام می‌خواستم سیاست را بفهمم»

اگنش هلر

جای بسی خرسندی است که کتاب «نظریه‌ای در باب مدرنیته» نوشته اگنش هلر به همت مترجم خوشفکر آن «فاطمه صادقی» و نشر نگاه معاصر به انتشار رسیده است. هلر اندیشمند چپگرای مجاری است که تجربه تحولات بلوک شرق را نیز از سر گذرانده است. او به سیاق یک روشنفکر اجتماعی در حوزه‌های مختلفی در سرتاسر جهان به سخنرانی پرداخته و در بهار سال ۱۳۸۴ به ایران نیز آمده است.

پیشینه فلسفی این فمینیست ۸۵ساله که سابقه دوستی و همکاری با گئورک لوکاچ را داشته و از اعضای برجسته مکتب بوداپست بوده، به مارکسیسم انسان‌گرا می‌رسد. این شاخه از مارکسیسم که حاصل بازاندیشی در مارکسیسم با توجه جدی به توصیه کانت مبنی بر درنظرگرفتن افراد به‌مثابه غایات فی‌نفسه است در تعارض مستقیم با مارکسیسم ساختاری آلتوسری و همچنین مارکسیسم رسمی اتحاد شوروی قرار دارد.

به‌طورکلی مارکسیسم رادیکال هلر، پسامارکسیسمی انسان‌گرا، مدافع کانتی اراده انسانی و ضدتعین‌گرایی، مخالف نسبی‌گرایی ارزشی لیبرال و تصلب‌گرایی مارکسیسم دولتی، معتقد به فردگرایی روش‌شناختی، گشوده به‌سوی رادیکال‌دموکراسی، همراه با گرایشات جمهوریخواهانه و ستیزنده با آموزه‌های لنینیستی است.

نظریه‌ای در باب مدرنیته
اگنش هلر
ترجمه: فاطمه صادقی
ناشر: نگاه معاصر
چاپ اول: ۱۳۹۲

البته اثر مورد بحث متعلق به دوران متاخر اندیشه‌های هلر است که تنه این مارکسیست انسان‌گرا به تنه پست‌مدرنیسم خورد و با چرخشی فکری، دغدغه اساسی آن در این دوره «تردید در فراروایت‌های عصر جدید» و طراحی پسامارکسیسمی رادیکال و انسان‌گرا شد. اگرچه کماکان اخلاقیات و سیاست در کانون توجه وی قرار دارد، نظریه‌ای در باب مدرنیته از منظری پسامدرن نگاشته شده است. پسامدرنیسم در این تلقی به‌عنوان آگاهی تاریخی درخودنگرِ مدرنیته بدون اعتقاد به داستان پیشرفت‌باوری مشروعیت‌بخش معرفی می‌شود.

اثر چنان‌که خود مولف می‌گوید حاصل تامل در تجارب زندگی شخصی وی درباره ماهیت مدرنیته و آخرین بخش از سه‌گانه هلر است که با «نظریه‌ای درباره تاریخ» شروع و با «پاره‌های فلسفه تاریخ» ادامه یافته بود. کتاب با معرفی اجمالی سه نظریه بنیادین مدرنیته یعنی هگل، مارکس و وبر به‌عنوان پدران بنیانگذار این نظریه آغاز می‌شود. اما گرانیگاه آن روی تمایز ابتکاری مولف میان دو مولفه مدرنیته یعنی «پویایی مدرنیته» و «ترتیبات اجتماعی مدرن» است که بقای آن حاصل پیوستگی هردو آنهاست و پویایی آن مقدم بر نظام‌های اجتماعی آن است. پویایی مدرنیته نوعی دیالکتیک است که نخست برای به‌لرزه‌درآوردن سنت‌ها و باورها در جهان سنتی آغاز شد و در آن به نحو پایان‌ناپذیری هر چیزی به پرسش گرفته می‌شود و تابع بررسی عقلانی و در معرض ابطال استدلالی قرار می‌گیرد. فلسفه که با سقراط پرسشگر آغاز می‌شود، مولود این پویایی بود. ترتیبات اجتماعی را نیز می‌توان به منزله الگوی توزیع مناصب اجتماعی، تقسیم اجتماعی کار و نظایر آن توصیف کرد که در عصر مدرن موقعیت افراد را بر مبنای مهارت‌هایشان به واسطه وجود «فرصت برابر» و به پشتوانه حضور «عدالت پویا» و شعار روسویی «آزادی برابر» - همه انسان‌ها آزاد آفریده شده‌اند - رقم می‌زند. به‌اعتقاد هلر رابطه میان ترتیبات اجتماعی مدرن و پویایی مدرنیته در سه منطق متمایز مدرنیته - تکنولوژی، ثروت اجتماعی، قدرت سیاسی - شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرد.

فرهنگ و تمدن، زمان و مکان، قانون و اخلاق، سعادت و کمال، محور بحث‌های فصولی بعدی این اثر است که در دیالوگ با اندیشمندانی نظیر هایدگر، نیچه، هابرماس، مارکوزه و فوکو در باب این مسایل به نگارش درآمده و نکات نغزی پیرامون تجربه مدرنیته را به مخاطبان کتاب می‌آموزد. علاوه بر این برای خودمان از هلر می‌آموزیم که ترتیبات اجتماعی مدرن منهای پویایی مدرنیته به‌گونه‌ای ناقص از تجدد می‌انجامد که همواره بقای آن در معرض خطر است. غیبت کامل پویایی مدرن یا عملکرد صرفا مقطعی آن موجب می‌شود که نظام مدرن در تمامی مناطق غیرغربی، در قیاس با مدل اصلی آن، خصلتی مخدوش داشته و در وضعی بی‌ثبات بماند.

نظریه‌ای در باب مدرنیته به‌اعتقاد مترجم آن یکی از بهترین و تامل‌برانگیزترین کتاب‌هایی است که در باب مدرنیته و تجارب مدرن نوشته شده است. باید به سلیقه مترجم برای انتخاب این اثر تبریک گفت. اما جای تعجب است که اثری با نگرش شکاکانه به فراگیری، توسط مترجم با عنوان «تبیینی همه‌جانبه در باب مدرنیته و تجارب مدرن» به فارسی‌زبانان معرفی و ارایه می‌شود. «نظریه‌ای در باب مدرنیته» تنها نظریه‌ای است در باب مدرنیته، در کنار سایر نظریه‌های موجود؛ نه نویسنده آن ادعای همه‌جانبگی دارد - که البته خود هراسان از همه‌جانبه‌گرایی است - نه وصف و تبیین همه‌جانبه «مدرنیته» در یک دفتر می‌گنجد. به سیاق خود هلر باید پذیرفت «جهان مدرن واقعیتی شفاف نیست»؛ به‌طورقطع وصف‌های بهتر و بدتر وجود دارد اما ادعای همه‌جانبه بودن، تقلیل‌گرایانه و تاحدودی خام است.

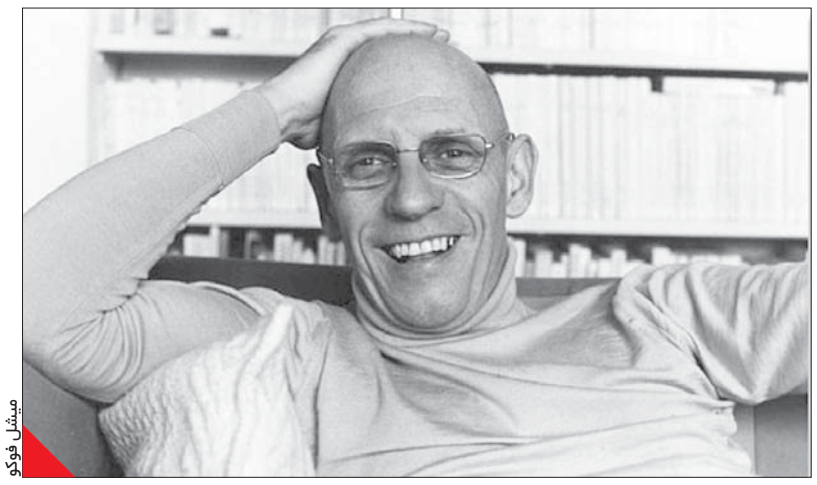

میشل فوکو

درباره گفت‌وگوی رمون آرون و میشل فوکو

تاریخ اندیشه و فلسفه قدرت

علی سالم

«میشل فوکو» و «رمون آرون» فرانسوی برای ایرانیان نام‌هایی آشنا هستند. هردو این متفکران همزمان با انقلاب ایران مقالاتی در همراهی و تشریح انقلاب مردم در روزنامه‌ها و نشریات فرانسوی نوشتند. رمون آرون لیبرال، مجادلات نظری فراوانی با «سارتر» و دیگر روشنفکران چپگرای فرانسوی در زمان جنگ و قبل از آن داشت. آرون معتقد بود که نقش روشنفکر امیدبستن به ایده رستگاری جهانی نیست. در سال ۱۹۶۷ در رادیو فرانسه در مناظره‌ای با میشل فوکو فیلسوف ساختارگرای فرانسوی که ۲۵سال از او کوچک‌تر بود به بحث و نقد آرای او در کتاب «کلمه‌ها و چیزها» پرداخت. موفقیت چشمگیر کتاب مذکور که همزمان با اقبال به سنت مارکسیسم فرانسوی لویی آلتوسر، انسان‌شناسی ساختارگرایانه استراوس و نظریات روانکاوانه لاکان همراه بود انتقادات زیادی را هم متوجه این کتاب کرد. تلاش فوکو در آثارش به تاکید خویش بیش از اینکه معطوف به یافتن پاسخ باشد به طرح مشکلات معطوف بود. فوکو در این دیالوگ انتقادی به توضیح و بسط مفهوم مورد نظر خود از علوم انسانی به معنای قرن نوزدهمی آن و به‌وجودآمدن علوم اجتماعی و شاخه‌های آن در قرن بیستم می‌پردازد.

در باب تاریخ اندیشه
گفت‌وگوی رمون آرون و میشل فوکو با تحلیلی از ژانفرانسوابر
ترجمه محسن حسنی
ناشر: فرهنگ جاوید
قیمت: ۵۰۰۰تومان

بحث این دو فیلسوف و جامعه‌شناس که همزمان با شورش‌های اجتماعی و دانشجویی در اروپا و فرانسه و حمایت آرون از ژنرال دوگل صورت می‌گیرد به آغازگاه این علوم و نقش مونتسکیو اشاره می‌کند. بحث در ادامه به نقد نظریات ساختارگرایانه فوکو می‌رسد.

فوکو در میان همه متفکران معاصر فرانسوی در کشور ما جایگاه ویژه‌ای دارد و اکثر آثار او به فارسی ترجمه شده است. مرزهای اصلی جهان اندیشه فوکو را پدیدارشناسی، هرمنوتیک، ساختارگرایی و مارکسیسم تشکیل می‌دهند. فوکو برخلاف هرمنوتیک هایدگر، قایل به وجود حقیقت غایی نیست، برخلاف پدیدارشناسی هوسرل به فعالیت معنابخش سوژه خودمختار و آزاد متوسل نمی‌شود و برخلاف ساختارگرایی آلتوسر و استراوس در پی ایجاد الگویی صوری و قاعده‌مند برای رفتار انسان نیست. تعلق فوکو به سنت ساختارگرایی موجب اختلاف مواضع او و دیگر روشنفکران همچون سارتر و مرلوپونتی درمورد مساله سوژه به‌عنوان فاعل شناسای خودبنیاد بود. دغدغه نسل جدید روشنفکران پساساختارگرای فرانسوی آنطور که در سارتر و اگزیستانسیالیست‌های فرانسوی بود مساله «معنا» نبود. بلکه هدفش بررسی نظام‌های ساختاری بود که در ساختن سوژه سهیم هستند. چیزی که از قبل در ما وجود داشته است. از منظر او انسان در وهله نخست تحت تاثیر نظام عمل می‌کند و آزادی واقعی برای تفکر و اندیشیدن وجود ندارد. همان‌طور که در صفحه ۴۳ کتاب از قول فوکو می‌خوانیم «در کلیه اعصار و قرون شیوه‌ای که افراد بر اساس آن می‌اندیشیدند، می‌نگاشتند، داوری می‌کردند، صحبت می‌کردند (حتی در خیابان و روزمره‌ترین محاوره‌ها و نوشته‌ها) و نیز شیوه‌ای که افراد با آن اشیا را می‌آزمودند و احساساتشان را بروز می‌دادند جملگی رفتارهایشان به‌واسطه یک ساختار نظری- به بیان دیگر یک نظام- کنترل می‌شد که متناسب با سن و اجتماع تغییر می‌کرد و البته در تمامی سنین و در تمامی جوامع وجود داشته است.»

کتاب مذکور که در اصل پیاده‌سازی مناظره ۱۹دقیقه‌ای بین این دو فیلسوف است با تحلیل ژان فرانسوابر درمورد این دیالوگ ادامه می‌یابد. عنوان اصلی کتاب هم که دیالوگ است در برگردان فارسی به «در باب تاریخ اندیشه» ترجمه شده است. اما به جز چند اشاره زودگذر در مورد دوره‌های تاریخی، آرون نقد قابل توجهی به آرای فوکو نمی‌کند. از نظر آرون «ضد اومانیسم‌گرایی فوکو که به وی امکان داده تا خود را به لوی استراوس و ساختارگرایان پیوند دهد نه به مارکسیسم آلتوسر تقلیل‌پذیر است و نه به مارکسیسم سارتر. رویکرد فوکو برای این دو خانواده مقدس که پیروان سارتر را از پراکسیس و پیروان آلتوسر را از تئوری محروم می‌کند غیرقابل قبول است.» ایده اصلی فوکو که آرون به نقد آن می‌پردازد مفهوم گسست تاریخی و نظریه اپیستمه (دوره‌های تاریخی) فوکو است. از دید فوکو نقش فیلسوف در زمان حال علاوه بر نظریه‌پردازی کلیت‌ها، مهیاکردن زمینه برای تشخیص علل مشکلات یا به تعبیری جسارت طرح علل مشکلات معاصر است. «فلسفه مبتنی بر پیش‌بینی و تشخیص است و بدیهی است که همه مقاطع زمانی، همه دوره‌های متناوب تاریخی و غیره، پیرامون همین انقطاع و همین آغاز که در آن واقع شده‌ایم- یعنی همین عصر حاضر- شکل می‌گیرند.» این جملات با اتفاقات دهه ۷۰ و نوعی از فرآیندهای اجتماعی همراه بوده است که به گسترش تکنیک‌های انضباطی، تنبیهی و مراقبتی منجر شده است. او ادعا نمی‌کند که علوم انسانی ثمره زندان است بلکه این علوم با تمایز گذاردن بین وضعیت طبیعی و وضعیت آسیب‌دیده (پاتولوژیک)، سوژه غیرطبیعی را به وضعیت طبیعی باز می‌گرداند و همچنان کارپرداز روابط قدرت و تقویت‌کننده مناسبات آن است.

ادامه از صفحه ۷

معاصریت مباحث فلسفی

همچنین کاپلستون تلاش کرده است تا گزارشش جامع باشد یعنی همه آرای مهم فیلسوف مربوطه را در حوزه‌های گوناگون شرح دهد. از این جهت کتاب او کاملا قابل‌توصیه به نوآموزان است و قابلیت تدریس به عنوان منبع و متن اصلی را دارد. اما تاریخ فلسفه راتلج اثری تحقیقی است. در بیشتر فصل‌ها خواننده باید دانسته‌هایی از موضوع بحث یا فیلسوف مورد نظر داشته باشد. گزارش‌ها جامع نیستند. بعضی از مقالات کاملا موضوعات خاصی را در اندیشه یک شخص دنبال کرده‌اند. اگر خواننده نوآموز مثلا به بخش افلاطون در این اثر رجوع کند به هیچ وجه نمی‌تواند تصویری کامل از اندیشه او به دست آورد بلکه با بحثی ظریف و جدی درباره نظریه مثل افلاطون مواجه می‌شود که اگر پیش‌تر مطالبی درباب آن نداند استفاده چندانی نخواهد برد. در همین‌جا باید اشاره کنم که بعضی مقالات در تاریخ فلسفه راتلج اساسا وظیفه گزارشگری یا تاریخ اندیشه‌نویسی را به کناری نهاده‌اند و وارد بحث از برنهاده‌ای خاص درباب فرد یا حتی یک موضوع شده‌اند.

اطلاعات و تحلیل‌های کاپلستون به رغم پختگی و جامعیت، اکنون اندکی ناروزآمدند. مثلا اختلافی اساسی بین گزارش او از فیلسوفان پیش‌سقراطی و گزارش راتلج وجود دارد. کاپلستون به اقتضای زمانه‌اش به شدت تحت‌تاثیری یونان‌شناسانی چون «یگر» و «راس» بوده است اما تحقیقات جدید در این حوزه بسیار گشوده‌ترند و دیدگاه‌های متنوع‌تری را عرضه می‌کنند. همچنین در تاریخ فلسفه راتلج توجه جدی به معاصریت و زنده‌بودن یا زنده‌کردن مباحث فلسفی شده است. و مباحث فلسفه جدید نیز دقیق‌تر و بهتر و حتی جامع‌تر روایت شده‌اند. نگرش تاریخی هم در اثر کاپلستون اندک است اما حضور پررنگ‌تر در تاریخ فلسفه راتلج دارد.

در مجموع می‌توان گفت ترجمه تاریخ فلسفه راتلج را نمی‌توان جایگزین اثر کاپلستون کرد اما می‌توان آن را در کنارش نهاد و با تطبیق و مقایسه درکی بهتر، عمیق‌تر و روزآمدتر از اندیشه‌های فلسفی به دست آورد.

قفسه

امر شخصی، امر سیاسی است

جواد لگزیان

در حالی‌که نظریه‌پردازان لیبرال بر لزوم اطاعت سیاسی از دولت لیبرال دموکراتیک به‌علت فایده‌مندی آن برای شهروندان تاکید دارند، کرول پیتمن در کتاب «وظیفه سیاسی» این دفاع ایدئولوژیکی از وضع موجود را مورد سوال جدی قرار می‌دهد و این نکته را که دولت لیبرال دموکراتیک برپایه رضایت قرار دارد نه برپایه «خواست، نه زور» مانند قرارداد اجتماعی، افسانه‌ای سیاسی می‌خواند.

پیتمن حمله خود را از بازخوانی تصورات لیبرالی به دولت آغاز می‌کند. از آنجا که در اندیشه نظریه‌پردازان لیبرال دموکرات، دولت یک «واقعیت» و «امرسیاسی» در نظریه قرارداد اجتماعی لیبرالی با «دولت» این‌همان تلقی می‌شود از این رو دولت با مجموعه‌ای از نهادهای شناخته‌شده و از آن جداست اما حوزه زندگی اجتماعی خصوصی را «سرحکمی» بی‌طرف تنظیم می‌کند. در این گفتمان حوزه سیاسی یا دولت، عرصه‌ای است برای نمایندگان، متخصصان یا افراد حرفه‌ای، به‌جز در مواقع خاصی که نمایندگان انتخاب می‌شوند و این حوزه است که شهروندان در آن فعال هستند. مفهوم عمودی وظیفه سیاسی در این برداشت از دولت، جزیی است لازم، این امر در واقع چیزی نیست بیش از تفسیری از واگذارکردن نوبتی اتوریته سیاسی تحت‌عنوان «رضایت‌دادن» به‌نمایندگان.

کرول پیتمن با اشاره به مدیریت دولتی اقتصاد سرمایه‌داری و درگیرشدن روزافزون دولت در دیگر حوزه‌های زندگی اجتماعی، پایبند بودن به جدایی دولت از زندگی عمومی اعضایش را مشکل دانسته و تصریح می‌کند اگر دولت به جای جدابودن از انجمن‌ها و پراتیک‌های زندگی روزمره جزیی از اینها باشد، در این‌صورت بهتر است آن را نوع خاصی از انجمن دانست که در آن وظیفه سیاسی پذیرفته می‌شود. به گفته پیتمن نظریه‌پردازان لیبرال دموکرات، نمی‌توانند به خود اجازه دهند این مفهوم گسترده‌تر از دولت را «ببینند یا به آن دست زنند»، هرقدر هم استدلال‌هایشان بر آن استوار باشد؛ چراکه این کار ارایه دولت لیبرالی را همچون «سرحکمی» بی‌طرف، منهدم می‌کند و همچنین مفهوم وسیع‌تری از «امر سیاسی» را پیش می‌کشد که هردوی این عوامل، چالشی در برابر موفقیت نظریه لیبرالی به مثابه ایدئولوژی تلقی می‌شوند. اگر «امر سیاسی» با «دولت» در معنای محدودش این‌همان انگاشته نشود، در این صورت جدایی قاطع میان «امر خصوصی» و «امر سیاسی» فرومی‌ریزد. اما، فرضیه لیبرالی درباره وظیفه سیاسی دقیقا به این جدایی بستگی دارد. وظیفه سیاسی اساسا از قول‌دادن متفاوت است. با درنظرگرفتن سرشت کنونی دولت، شگفت‌آور نیست که تعریف‌های «امر سیاسی» را بتوان در کارهای استاندارد علوم سیاسی یافت که به‌طور گسترده به وجود ساختارهای قدرت و اتوریته و به اختصاص‌دادن ارزش‌های مقتدرانه اشاره دارد. بنابراین تعریف‌ها، سازمان‌های زندگی اقتصادی به‌طور مسلم

مساله وظیفه سیاسی
نقدی بر نظریه لیبرالی وظیفه سیاسی
کرول پیتمن
ترجمه: محمود راسخ افشار
ناشر: پژواک
قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

«سیاسی»اند، اما تعداد کمی از نظریه‌پردازان سیاسی معنا یا پیامدهای آنها را برای نظریه و پراتیک لیبرال‌دموکراتیک، بررسی می‌کنند.

پیتمن در ادامه، چنین تعریف‌هایی را مانند مفهوم‌های کثرت‌گرایانه رادیکال رضایت‌دادن و مفهوم بسیط «دولت»، از مفهوم لیبرال دموکراتیک و ایستای زندگی سیاسی دور می‌داند؛ چراکه هر شرحی از دولت لیبرال دموکراتیک باید جایگاهی مرکزی به خصوصیات اصلی آن، یعنی ازدست‌دادن حق شهروندان در اتخاذ تصمیمات سیاسی از طریق انتخابات ببخشد. بنابراین، شرحی از دولت لیبرال‌دموکراتیک که عملکردهای دامنه‌دار کنونی، آن را تصدیق می‌کند چیزی است بیش از بسط مفهوم دولت به نظامی اخلاقی یا اتحادی از اتحادهای اجتماعی. ایده «دولت» همچون انجمن، هیچ پیوندی ضروری با اعطای اختیار به نمایندگان ندارد. به این معنا «دولت» در نخستین مرحله از قرارداد اجتماعی لیبرالی به‌وجود می‌آید. نظریه روسو نشان می‌دهد، اگر انجمن جدید سیاسی بر اساس وظیفه خودخواسته به وجود آمده باشد، مرحله دومی در قرارداد وجود نخواهد داشت، یعنی دولت لیبرالی نمی‌تواند به‌وجود آید بلکه، شهروندان باید همه با هم وظیفه سیاسی و اتوریته سیاسی‌شان را از طریق رای‌دهی مشارکتی در جماعتی دموکراتیک افزایش دهند؛ پس هیچ‌گونه واگذاری وظیفه سیاسی به نمایندگان نمی‌تواند وجود داشته باشد تا در گام بعدی «وظیفه سیاسی» نامیده شود.

از این منظر است که پیتمن با هگل همراه است: «هگل حق داشت به آنچه به‌طورضمنی در اختیار باوری لیبرالی در دولت مبتنی بر قانون اساسی نهفته است، مشکوک باشد. جدی‌گرفتن وظیفه خودخواسته چون آرمانی سیاسی به معنای انکار این امر است که اتوریته دولت لیبرال دموکراتیک و وظیفه سیاسی (فرض‌شده) شهروندان را بتوان توجیه کرد. این امر به معنای انکار مجادله اصلی نظریه قرارداد لیبرالی است مبنی بر اینکه دولت لیبرالی برای زندگی دموکراتیک نظام‌یافته، ضروری است». اما نمی‌توان دیدگاهی که وظیفه «سیاسی» را مناسباتی افقی میان شهروندان تلقی می‌کند با برداشت لیبرالی از امر سیاسی آشتی داد. در باور پیتمن این دیدگاه تنها با برداشت دموکراتیک که بازنگریسته شده سازگار است و این امر، مستلزم جماعتی سیاسی است که ایستا نباشد. یعنی انجمنی سیاسی که اعضای این انجمن، شهروندانی هستند که در انجمن‌های سیاسی متعددی عضوند و از طریق روابط افقی و چندجانبه با یکدیگر پیوند خورده‌اند. خصوصیت اساسی بازنگری دموکراتیکی امر سیاسی این است که امر سیاسی، دیگر جدا از زندگی روزمره انگاشته نمی‌شود. حوزه سیاسی یک بعد دارد و آن بعد اشتراکی (کلکتیو) زندگی اجتماعی در کلیت آن است. حوزه سیاسی، آن عرصه هستی اجتماعی است که در آن، شهروندان با یکدیگر به‌طور خودخواسته همکاری و از زندگی مشترک و تعهدات مشترک خویش حفاظت می‌کنند.

البته در این برداشت بازنگریسته‌شده از امر «سیاسی»، بعد زندگی اجتماعی هرروزه مستقل از زندگی سیاسی نیست، اما با آن متفاوت است. پیتمن درباره این نکته تصریح می‌کند: «گاهی اینطور فرض می‌شود که تنها بدیل در برابر دیدگاه لیبرالی از امر سیاسی، همگون‌سازی این دو بعد زندگی اجتماعی است: گواه آن، شعار مردم‌پسند «امر شخصی امر سیاسی است» می‌باشد. این شعار مفیدی است، به‌شرط آنکه خیلی تحت‌الفظی گرفته نشود».

پیتمن با تاکید بر ضرورت بازسازی نظریه دموکراسی و فهم عمیق مفاهیم تعهد، وظیفه و آنچه ما از نظر اخلاقی باید انجام دهیم در پایان پژوهشگران را به پژوهش نظری بیشتر در این عرصه فرا می‌خواند و از ابتکارهای گروهی در این زمینه خرسند است. نمونه‌هایی از کار ابتکاری گروهی در وضعیت‌های گوناگون گسترده دیده می‌شود، از حکومت محلی، کارزارهای حق بر زمین و جنبش زنان گرفته تا جنبش‌های کارگری، صلح، اما دولت لیبرال دموکراتیک دیگر نه سرحکم لاک است و نه فقط مسلح به شمشیرلویاتان، برای شهروندانی که با افزایش روزافزون شمار سلاح‌های بیولوژیکی، شیمیایی و اتمی، بمب‌های خوشه‌ای و دیگر ابزار ضدنفر و کنترل شهروندان روبه‌رو هستند، دگرگشت دموکراتیک سیاسی هیچ‌گاه به این اندازه فوریت نداشته است.

جدول ۱۷۹۰

افقی:

۱- غم و رنج درونی خود را تسکین بخشیدن- عطر مرده ۲- پیمانه- روند- از اشکال هندسی ۳- نانخورش- شاه تره- محاسن ۴- فنی در کشتی- کرکس- دریایی در شمال غرب ترکیه ۵- مساوی- اسم- چوب رختشویی ۶- لوز- از وسایل بنایی- رمق آخر ۷- بازیگر خانم فیلم‌هایی چون «این زن حرف نمی زند» و «متولد ماه مهر» - قطع سینمایی ۸- میوه موکتی! - آنچه در پشت سر یا آن سوی چیزی قرار دارد- مملکت ۹- درخت تسبیح- یکی از دو بخش دستگاه عصبی خودکار ۱۰- یادداشت- ماهی خطرناک- خیمه بزرگ ۱۱- ابریشم- رنگ تنفر- دشنام ۱۲- پروانه سیاه- از مزه‌ها- دشت ۱۳- نام حضرت حوا در نزد مسیحیان- پرنده ای از جنس قمری با دم درازتر- جانشین ۱۴- خواب آلود- مبلغ کم شده از چک یا سفته مدت دار- بندری در فرانسه ۱۵- پستاندار درختزی ساکن حاشیه یا ساحل رودخانه- نام علمی چسب زخم

عمودی:

۱- گرفتن عکس- نمدی که از پشم گوسفند می‌مالند- شکوهمند ۲- از توابع استان زنجان- فرمان توقف- کرگدن ۳- واسطه بازاری- کریستال- سازمان اطلاعات و امنیت کشور در زمان طاغوت ۴- پایان‌پذیر- دشمنی- مایه پیشرفت! ۵- مزه دهان جمع کن- اتحادیه بین‌المللی مبارزه با دوپینگ- از شیرینی‌های سوغات اصفهان ۶- حریص- ابزار یا وسیله ناکارآمد و بی‌اهمیت- عدد فوتبالی ۷- از ظروف آزمایشگاهی- نوعی بازار موقت- مقدمه پیروزی ۸- زن عقیم- نغمه- جانور شبگرد نقب‌زن ۹- سمت چپ- محل خواندن درس- راس‌ها ۱۰- هزار کیلو- در حال آموختن فن یا حرفه ای- لیست غذا ۱۱- موافقت و همفکری- شکسته و خرد شده- موج کوتاه فیزیکی ۱۲- خاندان- عضو تنفسی- دارای تحصیلات فوق‌دیپلم ۱۳- سرپرست کارگران در کارخانه یا کارگاه صنعتی- از ورزش‌های انفرادی- مثل و مانند ۱۴- از مهره‌های شطرنج- سرباز نیروی دریایی- کشور ساعت ۱۵- اندام اصلی گیاه- رودی مرزی در شمال شرق کشورمان- کوچه یا خیابانی که انتهای آن بسته است

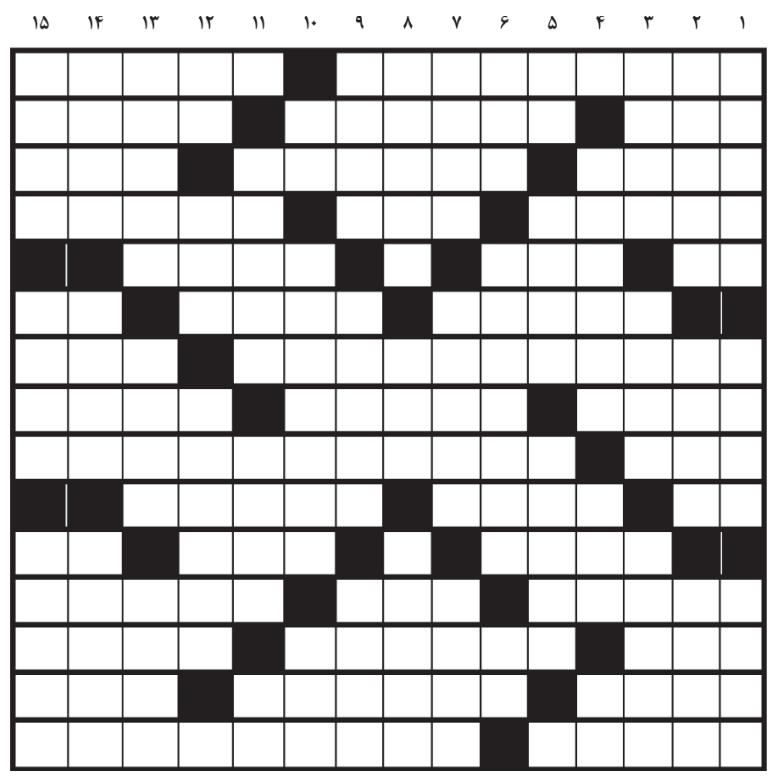

جدول ۱۷۸۹

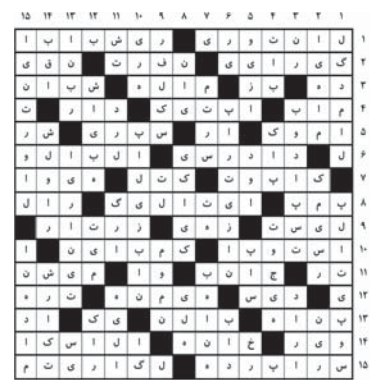

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۴۴۲

			۲					
۸						۱		
					۵		۴	
۱	۵				۳	۴	۷	
					۴	۹		
۴	۶		۹			۲	۸	
		۱				۵		۴
	۸		۵	۶			۱	
۷							۳	

حل سودوکو سخت

۷	۵	۶	۱	۱	۴	۳	۵	۸
۶	۱	۸	۵	۶	۳	۵	۷	۴
۴	۴	۳	۷	۵	۸	۱	۶	۴
۵	۷	۵	۱	۳	۶	۸	۴	۴
۱	۳	۶	۸	۷	۴	۵	۴	۷
۴	۶	۷	۴	۸	۵	۳	۱	۶
۶	۷	۴	۳	۱	۷	۴	۸	۵
۳	۸	۵	۶	۴	۱	۷	۳	۴
۴	۴	۱	۴	۳	۵	۶	۴	۷

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۷۹۳

۲	۳	۶				۸	۱	۹
	۴		۹	۶			۳	۷
				۲	۳			
۶		۲			۴	۵		
				۸	۱			
	۸		۳		۶	۱		
۵				۳			۴	
	۲	۴			۹		۵	۸
۷	۶				۲			

حل سودوکو ۷۹۲

۷	۱	۶	۲	۳	۸	۹	۵	۴
۲	۸	۹	۴	۵	۱	۳	۷	۶
۴	۳	۵	۹	۷	۶	۱	۲	۸
۳	۹	۱	۵	۶	۲	۸	۴	۷
۶	۷	۲	۸	۱	۴	۵	۹	۳
۵	۴	۸	۷	۹	۳	۶	۱	۲
۱	۲	۷	۶	۸	۵	۴	۳	۹
۹	۶	۳	۱	۴	۷	۲	۸	۵
۸	۵	۴	۳	۲	۹	۷	۶	۱